

مسافرت های شرف الدین اهداف و تأثیرات مذهبی و اجتماعی آنها

سید حمید حسینی

بر آن غبطه می خوردند دین و علم و فرهنگ بدان عزت می یافت^۵ و در کتاب های خویش به صورت یک عالم حکیم و محدث متبحر و مصلح فرزانه و پیشوای صاحب علم و حکمت حدیثی، جلوه می کند. علامه امینی صاحب اثر سترگ و جاودان الغدیر درباره شرف الدین می گوید:

شرف الدین یکی از قله های رفیع تشیع است و یکی از درفش های افراشته اسلام، او در ایمن روزگار نماینده عظمت سادات و بنی هاشم است. شیعه را سزاوار است که به دانش سرشار و شرف تابان و پارسایی عمیق منطق فصیح و تبلیغات سودمند شرف الدین افتخار کند.^۶

۱. خاندان صدر و شرف الدین بنی اعمام یکدیگرند و از ریشه دارترین و اصیل ترین خاندان های شریف می باشند و تا دوران «سید صالح شرف الدین» تصامی اعضای این خاندان بزرگ به «شرف الدین» شهرت داشتند، اما پس از این که سید صدرالدین بن صالح موسوی به مقام مرجعیت و ریاست شیعه نایل آمد این شاخه از خاندان به «صدر» مشهور شدند.
۲. شیخ آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۲، ص ۱۰۸۰ (چاپ دوم، دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ق)؛ شیخ احمد قیسی، حیا الامام شرف الدین فی سطور، ص ۸۱ (چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۰ق)؛ شیخ عبدالحمید الحر، الامام السید عبدالحسین شرف الدین قائد فکر و علم و نصال، ص ۱۳ (بیروت، ۱۹۷۲م).
۳. مصطفی قلیزاده، شرف الدین عاملی چاووش وحدت، ص ۲۵ (انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲).
۴. نقباء البشر...، ج ۳، ص ۱۰۸۳.
۵. محمدرضا حکیمی، شرف الدین، ص ۷۳ (انتشارات دفتر فرهنگی نشر اسلامی، ۱۳۶۰).
۶. شرف الدین، مولفوا الشیعه فی صدر الاسلام، ص ۸ (تحقیق سید احمد حسینی اشکوری، مکتبه النجاج، تهران).

سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی^۱ در سال ۱۲۹۰ قمری در شهر کاظمین دیده به جهان گشود. پدرش «سید یوسف شرف الدین» عالم و روحانی و مادرش «زهرا صدر» از زنان پاکدامن روزگار بود.^۲ سید یوسف شرف الدین موسوی عاملی خود از عالمان و پرهیزکاران روزگار بود. او از وطن اصلی خود جبل عامل به عراق مهاجرت کرد و سال ها در حوزه علمیه نجف و کاظمین، علوم و معارف دینی را نزد فقیهان و دانشوران بزرگ آن دو حوزه فراگرفت و به مراحل کمال علمی و اعتقادی دست یافت.^۳ مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره شخصیت شرف الدین می فرماید:

کسی که بخواهد شرف الدین را توصیف کند، چه بگوید؟ بگوید او مجتهدی است دانا، متکلمی است بی همتا، فیلسوفی است پژوهنده، اصول دانی است متبحر، مفسری است بزرگ، محدثی است صادق، مورخی است حجت، خطیبی است زبان آور، ادیبی است سترگ، آری شرف الدین این همه هست و علاوه بر اینها مجاهدی است نستوه در راه دین و مبارزی است پیوسته در سنگر حق؛ گواه او، خامه و قلم اوست و کتاب ها و نوشته های او، سخنرانی ها و منبرهای او و خدمات سودمند و مباحث نوآین و استدلال های کوبنده او...^۴

شرف الدین در طول عمر پربرکتش مسافرت های بسیاری کرد، سفرهایی به عراق و لبنان و سوریه و فلسطین و مصر و عربستان و ایران. اثر و نتایج این مسافرت ها بود که از شرف الدین شخصیتی ساخت که در مقام خطابه، خطبای عرب

حسن صدر (دایی خودش) کتاب معروف الفصول فی علم الاصول را نزد شیخ حسن کربلائی و کتاب شرح لمعه را نزد شیخ باقر حیدر فراگرفت. ۱۳ همچنین در درس اخلاق (آیه الله شیخ فتحعلی سلطان آبادی) نیز حاضر می شد. ۱۴

سفر به نجف اشرف

پس از گذشت یک سال و در هنگامی که مرجع تقلید شیعیان جهان آیه الله میرزای شیرازی سامرا را به قصد نجف ترک کرد. شرف الدین نیز به اتفاق عالمان و مدرسان حوزه علمیه سامرا به نجف رفت. ۱۵ وی سال ها پای درس عالمان و فقیهان بزرگ حوزه علمیه نجف نشست، از جمله آقا رضا اصفهانی (متوفی ۱۳۲۲ ق، شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳ ق، آخوند خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق، شیخ الشریعه اصفهانی (متوفی ۱۳۰۳ ق)، شیخ عبدالله مازندرانی (متوفی ۱۳۳۰ ق)، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (متوفی ۱۳۳۷ ق)، میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق). ۱۶

شرف الدین مکاسب را نزد شیخ باقر حیدر ۱۷ ریاض المسائل را نزد شیخ علی الجواهری، درس خارج اصول فقه را نزد آیه الله شیخ محمد کاظم معروف به آخوند خراسانی و درس رجال و حدیث شناسی را از آیه الله علامه میرزا حسین نوری فراگرفت. ۱۸ جالب این است که شرف الدین در طول دوازده سال تحصیل در عراق به جز چند شهر معروف علمی و مذهبی مهم آن کشور مثل نجف و کربلا و کاظمین و کوفه و سامرا و بغداد به هیچ

و چه درست گفته اند: «ان الامام شرف الدین، هو الوحيد بین العلماء الشیعه الامامیه، فی کثره طبعات مؤلفاته وانتشارها هائلا بین سائر الناس». ۷

سفرهای دوران کودکی و نوجوانی

سفر اول (نجف اشرف)

نخستین مسافرت علامه شرف الدین در سن یکسالگی به همراه پدرش سید یوسف شرف الدین بود، پدر که خود یک روحانی و عالم برجسته بود تصمیم گرفت برای گذراندن مراحل عالی تحصیل از کاظمین به نجف اشرف مهاجرت کند و به این ترتیب، سید عبدالحسین همراه پدر و مادر گرامی اش راهی آن دیار شد. سفر اول شرف الدین تقریباً هشت سال به طول انجامید. از ثمرات و نتایج این سفر بود که سید عبدالحسین در سن شش سالگی در نجف اشرف به مکتبخانه رفت تا کتاب الهی را فراگیرد. سید در فراگیری قرائت قرآن، استعداد شگفت خود را نشان داد. ۸

سفر به لبنان

شرف الدین در سن هشت سالگی به اتفاق خانواده به جبل عامل رفت (۱۲۹۸ ق). ۹ همان جا تا هفده سالگی در محضر پدرش زانوی شاگردی به زمین زد و نزد او ابتدا به فراگیری ادبیات عرب، صرف و نحو، خط، انشا، لغت، معانی، بیان بدیع، شعر و تاریخ، ادبیات، منطق و اصول فقه پرداخت و در این دروس دانش خود را به کمال رسانید و نیز کتاب های فقهی نجاه العباد و المختصر النافع فی فقه الامامیه و شرایع الاسلام را فراگرفت. ۱۰

سفرهای دوران جوانی

سفر به عراق (سامرا)

علامه شرف الدین در سال ۱۳۱۰ ق. ۱۱ به همراه مادر و همسر (که دختر عموش بود) و برادرش به عراق سفر کرد. او ابتدا به کاظمین رفت که خویشاوندانش نیز در آن جا ساکن بودند. آن زمان آیه الله العظمی میرزا محمد شیرازی، رهبر نهضت تحریم تنباکو، که مرجع عامه جهان تشیع بود در شهر سامرا اقامت داشت و مجتهدان و محققان بزرگی برای او از حوزه های علمیه نجف و کربلا و کاظمین به سامرا مهاجرت کردند و در محضر آن فقیه بزرگ و مجاهد، مشغول تحصیل و تدریس و تحقیق و تألیف بودند. ۱۲ شرف الدین با توصیه پدر بزرگش آیه الله سید هادی صدر و دیگران به همراه خانواده اش به سامرا رفت. شرف الدین در سامرا پس از گفتگو و تبادل نظر با آیه الله سید

۷. سید عبدالحسین امینی، شهداء الفقیهه، ص ۱۶۶ (نجف، ۱۳۵۵ ق).
۸. آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۳، ص ۱۰۸۱.
۹. محمدرضا حکیمی، شرف الدین، ص ۵۲.
۱۰. شیخ احمد قیسی، حیاة الامام شرف الدین، ص ۳۱؛ شیخ عبدالحمید حر، الامام شرف الدین، ص ۷۶ و ۷۷.
۱۱. شرف الدین در این زمان بیست سال داشت.
۱۲. سید حسن صدر (دایی شرف الدین) و سید اسماعیل صدر (عموی او) نیز آن زمان در سامرا اقامت داشتند «مصطفی قلیزاده، شرف الدین چاروش وحدت، ص ۴۳».
۱۳. شیخ احمد قیسی، حیاة الامام شرف الدین، ص ۸۹.
۱۴. همان، ص ۳۲؛ شرف الدین درباره شیخ فتحعلی می گوید: شوق و عجله من برای این که به محضر او برسم و سخنان حکیمانه اش را بشنوم تأثیر بسزایی در روحم می گذاشت و مرا به زندگی امیدوارتر می کرد «بغیه الراغبین، ص ۲۳۸».
۱۵. حیاة الامام شرف الدین، ص ۳۳.
۱۶. شرف الدین.
۱۷. قبلاً در سامرا نیز استاد شرف الدین بوده است.
۱۸. مصطفی قلیزاده، شرف الدین چاروش وحدت، ص ۵۳.

شهری مسافرت نکرد و مسافرت هایش به شهرهای مزبور نیز فقط اهداف علمی و معنوی و اعتقادی داشته است.^{۱۹} شرف الدین پس از دوازده سال تحصیل و تحقیق و مناظرات علمی و اعتقادی و در نهایت شوق و تلاش به درجه والای فقهت و اجتهاد رسید و دارای اجازات و تأیید اجتهاد از سوی فقهای طراز اول نجف شد و در سن ۳۲ سالگی اجتهاد مطلق او نیز مورد قبول و تأیید همه مجتهدان بزرگ حوزه علمیه نجف و کاظمین و کربلا و سامرا قرار گرفت.^{۲۰}

در این هنگام شرف الدین بین ماندن در عراق و بازگشت به جبل عامل مردد بود که با دریافت نامه ای از پدرش، پس از دوازده سال اقامت در عراق و کسب مدارج بالای علمی و اخلاقی، تصمیم به بازگشت به لبنان گرفت و در نهم ربیع الاول سال ۱۳۲۳ قمری به اتفاق خانواده و مادر و برادرش رهسپار لبنان شد.

مسافرت‌های شرف الدین پس از کسب اجتهاد^{۲۱}

بازگشت به لبنان

اگرچه مرحوم شرف الدین از ریاست حوزه علمیه نجف که لایق وی بود و می توانست چند صباحی آن را اشغال کند - صرف نظر کرد، ولی فکر روشن وی پشت پا به ریاست زد و فکر کرد که نجات دادن گم شدگان وادی ضلالت و حفاظت شیعیان بی سرپرست جبل عامل واجب تر از ماندن در حوزه نجف است.^{۲۲} همین فکر بود که مرحوم علامه شرف الدین در نهم ربیع الاول سال ۱۳۲۲ قمری همراه با خانواده اش نجف اشرف را ترک کرد و از راه دمشق رهسپار جبل عامل شد^{۲۳} و در میان امواج خروشان احساسات و عواطف پاک هموطنانش در دمشق مورد استقبال گرم پدر و عموهایش و نیز مردم جبل عامل قرار گرفت که به استقبالش آمده بودند. پس از آن، رهسپار شحور شد و در آن جا اقامت کرد و در کنار پدر بزرگوارش به ارشاد مردم و تدریس و تعلیم و تربیت نسل جوان همت گماشت.^{۲۴}

سفر به صور

علامه شرف الدین پس از سه سال، به دعوت مردم صور، راهی آن دیار شد. وی با تأسیس حسینیه صور^{۲۵} آن جا را به مرکزی برای برگزاری برنامه های گوناگون دینی و اجتماعی تبدیل کرد. علامه پس از ورود به لبنان درک نمود که شیعیان صور از داشتن مراکز اجتماعی مانند مسجد و حسینیه و دبستان و دبیرستان محروم هستند. سید تصمیم گرفت این وضع پریشان را سامان بدهد. به دنبال همین تصمیم بود که یک حسینیه بنا کرد، زیرا در این مرکز امکان بسط علم و دانش و تعظیم شعائر

بود و ضمناً می توانستند نماز جماعت هم برپا نمایند. فراموش نشود سید این حسینیه را از ملک شخصی خودش تهیه کرد و آن گاه که فرصت نمود شرف الدین در مقام یک مصلح دلسوز و آگاه، باشگاه مجلل و زیبای نادى الامام الصادق (ع) را تأسیس کرد تا بدین طریق از شرکت جوانان در محافل دشمنان و بدخواهان جلوگیری کند. علاوه بر آن، مسجدی در نزدیکی مدرسه جعفریه و باشگاه امام صادق (ع) ساخت تا دانش آموزان و کسانی که به باشگاه می آیند، فرائض دینی خود را در مسجد انجام دهند^{۲۶} و باز نقشه های خود را در پیشرفت امور پرورش شیعیان به صورت تأسیس و پایه گذاری دبستان و دانشگاه به تدریج عملی کرد. از ترقی افکار بانوان هم فراموش نکرد و برای آنان نیز مرکز تحصیلی به وجود آورد تا طبق قوانین مقدس اسلام و حقایق دینی شیعیان مشغول تحصیل گردند.

علامه پس از تهیه مقدمات در سال ۱۳۶۱ قمری مدرسه دختران «الزهره» را تأسیس کرد. پس از مدتی، مخالفان سیاسی او که از دست نشانندگان فرانسه بودند با توسل به زور و کمک دولت وابسته لبنان و سربازان دولتی، مدرسه الزهرا را بستند، اما شرف الدین بدون هیچ ترس و یاسی، کلاس های آن سال را در خانه خود برپا کرد و تا آخر ادامه داد و سال بعد، مجدداً مدرسه بازگشایی شد و در کنار مدرسه جعفریه، کار خود را آغاز کرد.^{۲۷} شرف الدین معتقد بود آن گاه که نسل حاضر دیده از جهان فرو بستند باید نسل بعد جایگزین آنان گردند و مساجد و محافل دینی را اشغال کنند و آنان وقتی می توانند به این هدف برسند که طفل را از ابتدای کودکی تحویل کودکستان و دبستان و دبیرستان اسلامی بدهند و به دنبال همین اعتقاد رنج ها برد تا توانست مسجد و دبستان و دبیرستان تأسیس کند و پایه های دانشگاهی را بگذارد تا به تدریج مورد استفاده قرار بگیرد.

۱۹. همان، ص ۵۴.

۲۰. میرزا محمدعلی مدرس تبریزی، *ریحانة الادب*، ج ۳، ص ۱۹۴.

۲۱. علامه شرف الدین، در کنار تحصیلات علمی و فقهی با جدیت تمام به فعالیت های ادبی و تلاش در جهت تسلط کامل بر موز بلاغت و صنایع ادبی و شیوه های سخنوری، و نویسندگی و بحث دست زد و در این فنون نیز ممتاز گشت.

۲۲. مصطفی زمانی، *مذهب و رهبرما*، ص ۶.

۲۳. آقابزرگ تهرانی، *نقباء البشر*، ج ۳، ص ۱۰۸۱.

۲۴. شیخ عبدالحمید حر، *الامام شرف الدین*، ص ۸۸.

۲۵. شیخ احمد قبیسی، *حیة الامام شرف الدین*، ص ۸۵. شهر صور در نزدیکی شهر شحور است.

۲۶. شرف الدین، *النص والاجتهاد*، ص ۳۳.

۲۷. محمدرضا حکیمی، *شرف الدین*، ص ۲۲۵.

قوم قط فی عقر دارهم الاذلوا^{۳۵} و نشانه این درک عمیق او بود که خود فرمود: لا یتشر الهدی الامن حیث انتشر الضلال؛^{۳۶} از همان جا که گمراهی انتشار یافت باید هدایت انتشار یابد.

بنابراین علامه شرف الدین پس از انجام دادن رسالت خویش و فتح دل های مخالفان از مصر عازم لبنان شد. در آن زمان مردم لبنان نیز بسان دیگر مردم سرزمین های اسلامی خواستار استقلال

مرحوم سید همزمان خدمات اجتماعی خود که آینده شیعه را حفظ می کرد دست به فعالیت هایی زد که موجودیت شیعه را حفظ نماید.^{۳۸} نخستین گام بلند و سنگین وی در راه وحدت امت اسلامی، تألیف کتاب گرانقدر الفصول المهمة فی تألیف الامة-فصل های مهم در راه اتحاد امت اسلامی- بود که در سال ۱۳۲۷ قمری در شهر صور به زیور طبع درآمد.^{۳۹}

سفر به مصر

علامه شرف الدین در اواخر سال ۱۳۲۹ قمری برای دیدار از مصر و آشنایی با علمای دینی، دانشمندان و متفکران و نویسندگان آن دیار و مساعد کردن زمینه ایجاد اتحاد ملت اسلام، راهی آن دیار شد. وی دریافته بود که بهترین نقطه حرکتش دانشگاه الازهر، بزرگ ترین مرکز علمی و دینی مسلمانان اهل سنت است. دست تقدیر شرف الدین را با مفتی بزرگ و استاد معروف دانشگاه الازهر، شیخ سلیم بشری مالکی، آشنا کرد. ثمره این آشنایی علمی و مذهبی، مباحثات و مکاتبات شورانگیز و شگفتی زایی بود که ۲۵ سال بعد از آن واقعه در سال ۱۳۵۵ قمری شرف الدین مجموعه آن مکاتبات را که ۱۱۲ نامه بود^{۴۰} به همراه مقدمه ای روشنگر به صورت کتابی با نام المراجعات در شهر صیدا به چاپ رساند.^{۴۱}

چنان که گفته شده نامه های شرف الدین و شیخ سلیم انتشار مجموع آنها در کتاب گران ارج المراجعات انقلابی بود در سبک و شیوه مناظره و مباحثه علمی و اعتقادی و برخورد اندیشه ها در حوزه ها و مراکز علمی تشیع و تسنن.^{۴۲}

سفر به مدینه منوره

در شعبان سال ۱۳۳۳ قمری به قصد زیارت عازم مدینه النبیه شد. در این سفر علاوه بر زیارت آستان وحی و امامت و دیدار با علما و دولتمردان مدینه، جلسات درس اخلاق برپا کرد که تعداد زیادی از علما و طلاب در آن شرکت می کردند. شرف الدین در این جلسات ضمن بحث های اخلاقی و عرفانی به بیان حقایق اسلام و عظمت دیرین مسلمانان می پرداخت و مسلمانان را به آگاهی از اوضاع دلخراش جهان اسلام فرامی خواند.^{۴۳}

هجرت های دوران جهاد و مبارزه

اکنون شرف الدین باید برای مبارزه با ستم و ستمکاران به لبنان اشغال شده باز می گشت. او به خوبی این کلام وحی را دریافته بود که ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً.^{۴۴} و نیز عمیقاً سخن امام علی (ع) را درک کرده بود که فوالله ما هزی

۲۸. مصطفی زمانی، مذهب و رهبر ما، ص ۸.

۲۹. آقا بزرگ تهرانی، نقیبه البشر، ص ۱۰۸۲. شرف الدین در بخشی از الفصول المهمة درباره وحدت امت اسلام می فرماید: تنها و تنها با وحدت کلمه است که اقدامات عمرانی هماهنگ می گردد، روح تمدن جلوه می کند... هنگامی که وحدت کلمه پیدا شد و عزم ها متحد گشت دل ها به هم پیوند یافت تصمیم ها یکی شد می توان در راه اعتلای امت اسلامی قیام کرد و مسلمین را در جهان به مقامی که باید برسند رسانید «محمدرضا حکیمی، شرف الدین، ص ۱۱۵».

۳۰. نخستین مکاتبه شیخ سلیم بشری و شرف الدین در ۶ ذی القعدة ۱۳۲۹ قمری بوده است و تا شش ماه این مکاتبات به طول انجامید. شیخ سلیم در آخرین نامه خود در تاریخ اول جمادی الاولی ۱۳۳۰ چنین می نگارد: من قبل از دیدار و گفتگو با شما درباره شیعه در اشتباه بودم و این اشتباه نتیجه اخبار و سخنان نادرستی بود که از یاره گویان شنیده بودم... من پس از ملاقات با شما به رستگاری رسیدم «المراجعات، ص ۳۱۵».

۳۱. انتشار کتاب المراجعات که مشروح مناظره بین عالم بزرگ اسلام «عبدالحسین شرف الدین الموسوی» از پرچمداران تقریب در جبل عامل لبنان و شیخ «سلیم» رئیس الازهر است نقش مهمی در زدودن سوء تفاهمات اهل سنت به شیعه داشته است. شیخ سلیم در آخرین مراجعه اعتراف کرده است که فرقی بین سنی و شیعه وجود ندارد و اختلافات موجود میان شیعه و سنی کمتر از اختلافات موجود میان امامان مذاهب چهارگانه است. از ویژگی های این کتاب، کاربرد واژه های نو و پر معنا، جملات کوتاه و آهنگین، تعبیرات بدیع و دلنشین و پر بار کردن مطالب از اشعار و امثال عرب، افزون بر جنبه های علمی و استدلالی کتاب بوده که این اثر را در نوع خود بی نظیر ساخته است. در مصر، شرف الدین ضمن مکاتبه با شیخ سلیم بشری با دیگر عالمان و دانشوران اهل سنت نیز ملاقات و مباحثات علمی و دینی و فلسفی داشت و بزرگان آنان مانند شیخ محمد نجیب و شیخ محمد سلموطی و شیخ محمد عبده و شیخ عبدالکریم الکتانی آدرسی با نوشتن اجازات و تأییدات علمی مقام علمی و فکری شرف الدین را گرامی داشتند و از او تجلیل کردند «برای اطلاع بیشتر به المراجعات ترجمه محمد جعفر امامی به نام وهبری امام هلی یا ترجمه مصطفی زمانی به نام مذهب و رهبر ما و به کتاب شرف الدین، نوشته محمدرضا حکیمی مراجعه شود».

۳۲. مصطفی قلیزاده، شرف الدین عاملی چاووش وحدت، ص ۸۶.

۳۳. همان، ص ۹۷.

۳۴. نساء (۴) آیه ۱۴۱.

۳۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

۳۶. المراجعات (به قلم سید محمد تقی حکیم)، ص ۵۹.



نیافتند خانه و کتابخانه اش را آتش زدند و بسیاری از آثار خطی او را سوزاندند،^{۴۲} در همین آتش سوزی بود که هیجده جلد از کتاب های خطی سید که با قلم خود به منظور خدمت به اسلام و مسلمین نوشته بود نابود گردید و باقیمانده آن غارت شد.^{۴۳}

هجرت به فلسطین

فرانسویان متجاوز، دامنه تجاوزات خود را گسترش دادند و خاک سوریه را نیز اشغال کردند، از این رو علامه شرف الدین به اتفاق خانواده اش به فلسطین، شهر «حیفا» رفت. نه تنها سید تبعید گردید، بلکه میلیون و آزادی خواهان سوریه نیز تبعید شدند و در بین تبعیدشدگان پادشاه سوریه (ملک فیصل) نیز به چشم می خورد. پس از این که سید و ملک فیصل مدت ها در فلسطین به سر بردند ملک فیصل با وساطت انگلستان به مسند سلطنت عراق تکیه زد و مرحوم سید رهسپار مصر گردید (۱۳۳۸ق).^{۴۴}

دومین سفر به مصر

شرف الدین در مصر علاوه بر حضور در مساجد و محافل علمی و سیاسی و ادبی با افراد و گروه های مختلفی دیدار و گفتگو می کرد و اکثر سخنانش در نشریات آن روز مصر به چاپ می رسید. در یکی از سخنرانی های پر شور خود جمله پر محتوا و عمیقی گفت که حقیقت وحدت اسلامی را بیان می کرد. سید رشید رضا، عالم

۳۷. در آن زمان کشورهای لبنان و سوریه و عراق تحت امپراتوری عثمانی (ترکیه) بودند.

۳۸. المراجعات، ص ۱۰.

۳۹. النص والاجتهاد، ص ۱۴.

۴۰. مصطفی زمانی، ملهب و رهبر ما، ص ۱۰.

۴۱. در آن زمان ملک فیصل بر سوریه حکومت می کرد و هنوز این کشور به اشغال فرانسوی ها در نیامده بود، از سوی دیگر ملک فیصل به شرف الدین ارادت قلبی داشت و خود شخصاً به استقبال شرف الدین رفت «مصطفی قلزاده، شرف الدین جاووش وحدت، ص ۱۱۷».

۴۲. شرف الدین، النص والاجتهاد، ص ۳۲.

۴۳. مصطفی زمانی، مقدمه ملهب و رهبر ما، ص ۱۰.

۴۴. همان؛ شرف الدین جاووش وحدت، ص ۱۲۰.

شرف الدین به مثابه عالمی آگاه به زمان، روشن بین و آشنا به حقایق اصیل مکتب آسمانی اسلام از روزگار جوانی از اوضاع نابسامان و آشفته آن روز جوامع اسلامی و اختلافات بیهوده و تأسف بار مسلمانان رنج می برد، او نه تنها به اصلاح و سازندگی جوامع شیعی می اندیشید، بلکه از آغاز اقدام های اجتماعی و دینی خود در اندیشه اصلاح و عزت بخشی به همه ممالک اسلامی و ایجاد اتحاد و برادری در بین فرقه های مختلف مسلمانان بود. وی نیم قرن تمام با همه توان علمی و معنوی اش و با قلم و بیان و عمل صادقانه اش در متحد ساختن امت محمد(ص) کوشید و از هیچ سعی و تلاش دریغ نورزید «مصطفی زمانی، شرف الدین حامی جاووش وحدت، ص ۷۳ و ۷۴».

کشورشان و رهایی از زیر سلطه عثمانی ها بودند.^{۴۷} برای اولین بار و با تأیید حرکت گروه های استقلال طلب، شرف الدین وارد میدان مبارزات سیاسی و درگیری های اجتماعی شد. وی در دوران جنگ های استقلال لبنان در کنار مردم ماند و رهبری دینی و سیاسی و پناه دادن به مردم بی پناه جبل عامل را تقبل کرد.

علامه در اندیشه علل غلبه استعمار شرقی و غربی بر ممالک اسلامی و راه های اتحاد امت اسلامی بود و عمده علل را تفرقه امت مسلمان می دانست^{۴۸} و به همین دلیل عملاً وارد مبارزات سیاسی با استعمار فرانسه شد. او برای شکل دادن به قیام همگانی و هماهنگ کردن حرکت های ضد فرانسوی در سرتاسر کشور، علما و رهبران جبل عامل را برای تشکیل یک کنگره عمومی در شهر وادی الحجیر - در مرز لبنان و سوریه - فراخواند و در ضمن سخنرانی در این کنگره، علیه فرانسویان فتوای جهاد داد.^{۴۹}

سید برای دفاع از حقوق ملت لبنان و دفع ظلم از مردم جبل عامل با ملت همصدا شد و باب مذاکرات را با حکومت مرکزی حکومت عثمانی باز کرد تا مگر مفاسد اجتماعی این سرزمین را از راه صلح و صفا برطرف سازد. پشتکار سید و استقامت ملت نزدیک به نتیجه بود که جنگ جهانی اول شروع گردید (۱۳۲۴ق) و به زودی همه ملت های جهان را وارد کارزار ساخت. همزمان با گسترش جنگ، مذاکرات مرحوم شرف الدین متوقف شد و پس از خاتمه جنگ مشکلات جدیدی به مشکلات قبل افزوده شد.

لبنان طبق معاهده ورسای تحت قیمومت فرانسه درآمد. مرحوم سید در این بحران عجیب دو وظیفه را تعقیب می کرد: تساوی حقوق شیعه با اهل سنت؛ استقلال لبنان به صورت تجزیه یا الحاق آن به سوریه.

مرحوم شرف الدین در مطلب اول پیروز گردید، ولی موضوع دوم چون هدف عالی بود زحمات فراوانی را لازم داشت.^{۴۰}

هجرت به جبل عامل و دمشق

به دنبال فتوای جهاد علامه علیه فرانسویان (ضمن صدور حکم اعدام) آنها جستجوی وسیعی را برای دستگیری علامه شرف الدین آغاز کردند، از این جهت علامه ابتدا به جبل عامل و سپس به دمشق^{۴۱} هجرت کرد و در اجتماعات سیاسی و علمی و دینی دمشق حضور یافت. چون آوازه علمی و سیاسی اش آفاق کشورهای اسلامی را پر کرده بود هر جا می رفت قدر می دید و بر صدر می نشست. او علما و دانشمندان و سیاستمداران و روشنفکران و مبارزان را راهنمایی می کرد و راه درست مبارزه سیاسی را به آنان نشان می داد. فرانسویان که به شرف الدین دست

شرف الدین مهاجرت یهودیان جهان به خاک فلسطین را برای آینده آن کشور خطرناک می دانست و به همین جهت، همواره خطر یهودیان صهیونیست را برای فلسطین تذکر می داد.^{۵۰}

سفر حج

با حضور شرف الدین در سفر زیارت حج سال ۱۳۴۰ قمری مراسم آن سال حج از باشکوه ترین مراسمی بود که تاریخ حج به یاد دارد. حضور او در این کنگره عظیم جهانی مسلمانان، جلوه و صفای دیگری به آن داده بود. نماز جماعت در مسجدالحرام به امامت شرف الدین برپا شد.^{۵۱} به احتمال زیاد این اولین نماز جماعتی بود که به امامت یک عالم شیعه در مسجدالحرام برگزار می شد.^{۵۲} به سبب این نماز جماعت، حج شرف الدین تا سال ها بعد نیز زیانزد خاص و عام در بین شیعیان و سنیان عالم بود.^{۵۳} پس از پایان مراسم حج، شرف الدین به هموطنانش و در میان مشایعت، احترام و اکرام دولتمردان عربستان به جبل عامل عزیمت کرد.

سومین سفر به عراق

علامه شرف الدین در اواخر سال ۱۳۵۵ قمری برای بار سوم به عراق رفت. سید پس از ۳۲ سال توانست بار دیگر از مملکت خویش دیدن کند. او ابتدا وارد بغداد شد و سپس برای زیارت امامان معصوم (ع) عازم نجف و کاظمین و سامرا و کربلا شد. او در نجف به خانه پسرخاله اش مرجع بزرگ مرحوم آیه الله العظمی شیخ محمدرضا آل یاسین رفت و در مدتی که آن جا بود جلسات باشکوه بحث و پرسش و پاسخ علمی با حضور علما و طلاب تشکیل می شد.^{۵۴}

سفر به ایران

شرف الدین در واپسین روزهای سال ۱۳۵۵ قمری مقارن ۱۳۱۵ شمسی از عراق راهی ایران شد تا مرقد هشتمین پیشوای

۴۵. شرف الدین، *النص والاجتهاد*، ص ۱۴؛ محمدرضا حکیمی، *شرف الدین*، ص ۱۷۵.

۴۶. مصطفی قلیزاده، *شرف الدین چاووش وحدت*، ص ۱۲۶.

۴۷. فرانسویان به احترام و عظمت و حرمت سید محمد صدر پدرش آیه الله العظمی سید حسن صدر در نزد شیعیان واقف بودند (*شرف الدین چاووش وحدت*، ص ۱۲۶).

۴۸. همان، ص ۱۲۹.

۴۹. شیخ احمد قیسی، *حیة الامام شرف الدین*، ص ۱۱۵.

۵۰. محمدرضا حکیمی، *شرف الدین*، ص ۲۲۶-۲۲۸.

۵۱. به تقاضای ملک حسین پادشاه عربستان.

۵۲. شرف الدین، *المراجعات*، ص ۱۹.

۵۳. مصطفی قلیزاده، *شرف الدین چاووش وحدت*، ص ۱۴۴.

۵۴. شرف الدین، *النص والاجتهاد*، ص ۳۵.

و نویسنده مشهور مصری که در آن محفل حضور داشت، آن جمله را با خط درستی در مجله خود «المنار» چاپ کرد و آن جمله این بود: شیعه و سنی را روز نخست، سیاست (و مطالع سیاسی) از هم جدا کرده است و اکنون نیز باید سیاست (و مصالح سیاسی اسلام و مسلمانان) آن دو را در کنار هم بنشانند و متحدشان کند.^{۴۵}

بازگشت به بیروت

شرف الدین پس از این که مدتی در مصر ماند تصمیم گرفت تا در نزدیک ترین نقطه لبنان (خارج از لبنان) حضور یابد و از نزدیک برای آزادی کشور و ملتش تلاشی شایسته را به انجام رساند، از این جهت از مصر به روستای علما در نزدیکی مرز جبل عامل رفت. خانه اش در آن جا مانند صور همیشه پر رفت و آمد و محل آمد و شد نیازمندان و عالمان و مبارزان و مرکز بحث های علمی و اعتقادی و سیاسی و ادبی و اجتماعی شد و شرف الدین تنها مرجع این امور بود.^{۴۶}

در این ایام سید محمد صدر (پسردایی شرف الدین) نزد فرانسوی ها وساطت نمود^{۴۷} و این وساطت او سبب لغو حکم اعدام شرف الدین شد. بنابراین شرف الدین به همراه بسیاری از آزادی خواهان و مجاهدان لبنانی به دمشق رفت. وقتی وارد بیروت شد فرانسویان خواستند مقدمات عزیمت او را به شهر صور زودتر فراهم کنند، ولی شرف الدین در بیروت توقف کرد تا برای آزادی دیگر مبارزان و آزادی خواهان مهاجر، تبعیدی و متواری، با حاکمان مذاکره و گفتگو کند. به هر تقدیر، با آزادی و بازگشت دیگر مبارزان و آزادی خواهان موافقت به عمل آمد و شرف الدین با خیالی آسوده، آهنگ صور کرد.^{۴۸}

بازگشت به صور

شرف الدین در میان شکوه و جلال بی ماندی وارد لبنان گردید. روز بازگشت شرف الدین به وطن از ایام به یادماندنی تاریخ لبنان است. مردم مبارز و مسلمانی که حدود یک سال از نعمت حضور عینی رهبر دینی و انقلابی خود محروم بودند، به هنگام بازگشت شکوهمند او تمام احساسات درونی خویش را با شور و هیجان و تظاهرات و شعر و خطابه اظهار می کردند.^{۴۹} شرف الدین مردانه با استیلا بیگانگان غربی به مخالفت برخاست و تا خروج آخرین عمال آنان از لبنان و به رسمیت شناختن استقلال این کشور در سال ۱۹۴۵ میلادی مبارزه کرد. در دورانی که او با سلطه فرانسه در لبنان مبارزه می کرد فلسطین تحت سیطره انگلستان قرار داشت و هنوز مسئله فلسطین به صورتی که بعد از سال ۱۹۴۸ میلادی مطرح شد درنیامده بود، ولی زمینه آن آماده می شد. در این دوران

شیعیان حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا(ع) را زیارت کند. در تهران عدۀ زیادی از علما، روحانیون و شخصیت های علمی و دینی از او استقبال کردند. همچنین مردم دیندار، عالمان شهر به دیدار و زیارت او شتافتند و به اکرام و احترام همت گماشتند.

سفر به قم

علامه شرف الدین از تهران به قم عزیمت کرد تا مرقد پاک حضرت فاطمه معصومه(ع) دخت والا گهر امام موسی کاظم(ع) را زیارت کند و از نزدیک با حوزه علمیه و علما و فقهای قم که به سختی تحت فشار اختناق و استبداد رضاخانی بودند آشنا شود.

سفر به مشهد مقدس

پس از این زیارت و دیدار، رخت سفر به دیار خراسان کشید و عازم مشهد مقدس شد و بوسه بر آستان قدسی حضرت امام رضا(ع) زد... و به آرزوی دیرین خویش دست یافت. سفر شرف الدین به ایران، نزدیک به یک ماه طول کشید. ۵۵

رجعت به وطن (جهاد فرهنگی)

علامه شرف الدین در اوایل سال ۱۳۵۶ قمری به وطن خود بازگشت. ۵۶ شرف الدین برای مقابله با وضع آشفته و نابسامان فرهنگی و آموزشی در لبنان که بر اثر گسترش و تحکیم سلطه خیانت آمیز استعمارگران غربی در این دیار به وجود آمده بود تصمیم به اصلاح دستگاه های آموزش و پرورش جامعه خود گرفت. وی تصمیم گرفت مدرسه ای در صور بسازد. در این کار از تمام کسانی که امکان کمک مادی داشتند دعوت به همکاری کرد. ابتدا در سال ۱۳۵۷ قمری مدرسه ای ابتدایی برای آموزش و پرورش دانش آموزان مسلمان با نام المدرسة الجعفریة بنا نهاد. این مدرسه به طور رایگان اداره می شد و علاوه بر تعلیم درس های جدید از درس های معارف و اخلاق اسلامی نیز بهره می جست. ۵۷

سفر آخرت (سفر به نجف اشرف)

شرف الدین در اواخر عمر پرپرکتش در بیمارستان بیروت بستری بود. سرانجام در صبح روز دوشنبه ۸ جمادی الثانی سال ۱۳۷۷ قمری آن شعلة فروزان و آن چشم همیشه بیدار پس از ۸۷ سال درخشش خیره کننده خاموش شد. دو روز پس از وفات و تشییع مجلل و چشمگیر در بیروت و بغداد و کاظمین و نجف، پیکر پاک شرف الدین در سمت جنوبی صحن امام علی(ع) و مجاور آرامگاه استادش سید محمد کاظم یزدی به خاک سپرده شد. ۵۸

نتیجه

علامه سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی روحانی در

طول زندگی خود در هر یک از این زمینه ها (مذهبی و علمی و سیاسی و اجتماعی) مجاهدات بسیاری نمود و به همین سبب سفرهای بسیاری در زندگی اش انجام داد.

سفرهایی با هدف و با انگیزه و ثمربخشی که آثار و نتایج آن محدود به عمر شریفش نشده، این آثار هم در طول زندگی او سبب هدایت بسیاری شد هم در آینده نیز همچنان پرتو افشان طریق هدایت خواهد بود، چرا که پروردگار فرمود: **واما ما یفیع الناس فیمکت فی الارض.** ۵۹

این سفرها عمدتاً به انگیزه و هدف کسب علم و دانش، کمک و یاری مردم، مبارزه سیاسی و بیداری توده ها، بسط و تبیین حقانیت شیعه و ایجاد وحدت میان مسلمانان انجام می شد. شخصیت پر تلاش شرف الدین در هر یک از ابعاد مذهبی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی چون الگویی ماندگار اثرات عمیقی از خود به جا گذاشت. شهید مطهری او را کسی می داند که دارای اندیشه اصلاحی در جهان تشیع بوده است. ۶۰ در بررسی اهداف، نقش و تأثیر مسافرت های خواسته و ناخواسته (هجرت و تبعید) علامه شرف الدین در می یابیم که بسیاری از مسافرت های شرف الدین برای این بود که حاضر نبود در برابر رنج مردم و ستم ظالمین اسوده و ساکت بماند، از این جهت زندگی پر تلاطمی را برای اهداف بلندی که داشت سپری نمود.



۵۵. در قم مورد علاوه بر استقبال مردم، آیت الله العظمی سید صدرالدین صدر (پسرخاله اش) و در مشهد مورد استقبال آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی قرار گرفت.
۵۶. شیخ احمد قیسی، **حیة الامام شرف الدین**، ص ۱۰۹.
۵۷. همان، ص ۸۸.
۵۸. آقابزرگ تهرانی، **نقیه البشر**، ج ۳، ص ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶؛ شرف الدین، **النص والاجتهاد**، ص ۳۹.
۵۹. رعد/ ۱۳، آیه ۱۷.
۶۰. مرتضی مطهری، **نهضت های اسلامی صدساله اخیر**، ص ۵۶.

بزرگداشت عالمان و نویسندگان و کتاب های از جمند در فرهنگ بشری پیشینه ای بس دور و دراز دارد و تا هم اکنون نیز پی گرفته شده است، گفته اند: در ادبیات اروپا بیش از ده ها کتاب درباره آثار شکسپیر و بالزاک وجود دارد، درباره زندگی خصوصی هر یک از کسانی مانند شکسپیر و گوته و ویکتور هوگو بیش از هزار کتاب و رساله و مقاله نوشته شده است. اگر چنین است کوتاهی ما درباره کتاب هایی چون **المرجمات و الغدیر** و مؤلفان آنها آشکار است. در فرهنگ اسلامی نیز می دانیم که کتاب ها و مقالات متعددی درباره انظار و اهداف و مقاصد کسانی چون رفاعة رافع الطهطاوی، سید عبدالرحمن کواکبی، شیخ محمد عبده، سید عبدالله ندیم، شیخ محمد خیابانی، مصطفی کامل، دکتر طه حسین و ... نوشته شده است. در این صورت آیا ما درباره امثال شرف الدین و امینی کوتاهی نکرده ایم «محمد رضا حکیمی، حماسه هدیر، ص ۲۱۶».